

شاید سوال شما هم باشه

سلام استاد جان

بخشید وقتتون رو میگیرم خواستم نظرتون رو راجع به این سخنان یکی از سخنرانان بدونم، ممنون؛

"وقتی می توانم با سه روز پیاده روی اسلام را تقویت کنم، چرا نبایدم؟ اگر نیایم و بعدا از من سوال کنند چرا نیامدی چرا به این قدرت نیفزودی چه بگویم؟

آنوقت اگر روز قیامت خون های مظلومین را به پای من بنویسند چه خاکی بر سر بریزم؟

حضور در پیاده روی اربعین را یک وظیفه بدانیم"

19:21

Today

سلام

اجر و اثر و "عظمت" و بی نظیر بودن زیارت "امام حسین جان"، کاملاً روشن هست و چه در عرفه چه در نیمه شعبان، چه در اربعین، چه در مابقی روزهایی که حضرات معصومین فرمودند و یا در غیر آنها... هر کس هر وقت توانست بایستی برود و سهل انگاری و کاهلی نکند چرا که زیارت آن نور "معظم" بی همتاست و باب تمام خیرات عالم... اما جدای از آن، بایستی متوجه بود که؛

"وظیفه" را "تکلیف" را "جهاد" را "اولویت" را اسباب "تقویت" اسلام را، علل "تضعیف" اسلام را و هر "امر مهم" دیگر را فقط و فقط در هر عصر "ولی آن عصر" تعیین می کند، یعنی یا امام یا نایب امام... وگرنه اگر قرار باشه روی منبر و پشت تریبون و یا به میل ولیجه و ولیجه داران هرکس هر "حس خوشایندی" نسبت به مساله ای پیدا کرد آن را "وظیفه" عموم مسلمین تشخیص بدهد و به جای ولی عصر "تعیین تکلیف" کند، یا اگر حس ناخوشایندی به موضوعی مثل شعر لاک سیاه! پیدا کرد آن را سبب تضعیف اسلام بداند! دیگر توانی برای انجام "امر ولی عصر" در مومنین نمی ماند!!!

متأسفانه مدت هاست مذهبپون چه منبری چه غیره "دین" را از منظر خود تفسیر و توضیح می دهند، در صورتی که دین وقتی "شخصی سازی" شد دیگر دین نیست، امیال شخصی است و "تفسیر به رای"... برای مذاقه ی بیشتر رجوع کنید به یادداشت "حصر پیاده روی حقیقت" در قسمت مکتوبات سایت "خلوتی فلسفی"

01:04 ✓

